

مقام وزارت بهداشت:

«تب‌دنگی»

مثل کرونا همه گیر نمی‌شود

رئیس دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت گفت: برخی افراد سوگو در لباس همه چیزدان از موضوع تب‌دنگی برای منفعت اقتصادی و شخصی سوءاستفاده کرده و با ساخت شایعات، به فروش دارو و کالاهای بی‌اثر خود اقدام می‌کنند.



به گزارش تسنیم، فرشی در ضایع افزود: خوشبختانه برخلاف بسیاری بیماری‌های عفونی دیگر، تب‌دنگی نمی‌تواند به صورت مستقیم از یک فرد به فرد دیگر منتقل شود و از راه گزش پشه می‌تواند به افراد سالم منتقل شود. بنابراین امکان همه‌گیری بزرگ مانند آنچه در بیماری کرونا تجربه کردیم به هیچ وجه در مورد تب‌دنگی مصداق ندارد. پشه آندس پشه ناقل بیماری دانگ است که ورود و استقرار آن در بندر چابهار و چند شهر دیگر در استان‌های گیلان، هرمزگان و بوشهر تأیید شده است و خوشبختانه هنوز ناقل بیماری نبوده‌اند. به جز در بندر لنگه که چند بیمار بدون سابقه سفر به خارج از کشور شناسایی شده است.

مسئول ذی‌ربط در سازمان زمین‌شناسی: ۵۰ درصد گروغبار را شناسنامه‌داری کنیم

مدیر کل مخاطرات زیست‌محیطی و مهندسی سازمان زمین‌شناسی گفت: ۵۰ درصد گرد و غبار را شناسنامه‌دار می‌کنیم و در حال تجهیز کشور با دستگاه‌های نمونه‌گیری اتمسفری هستیم.

به گزارش ایسنا، رضا شهسبازی افزود: استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان دو نقطه بحرانی هستند. به گفته اوس، فلزات سنگین و گیج در ذرات معلق وجود دارد. کوآرتز و سیلیکا موجود در ذرات نیز خطرناک هستند که می‌توانند کیلومترها مسافت را طی کنند. همچنین طی ۲۰ سال اخیر آلاینده‌هایی مانند ذرات معلق کوچکتر از ۱۰ میکرون اهمیت زیادی پیدا کرده‌اند چرا که در عمق دستگاه تنفسی نفوذ می‌کنند.

ممنوعیت تردد کامیون‌ها در تهران تا ساعت ۲۴ روزهای سوگواری

جانشین پلیس راهور تهران گفت: محدودیت تردد کامیون‌ها و وسایل نقلیه سنگین در روزهای گذشته تا ساعت ۲۲ بود، ولی از شب‌شنبه تا شنبه عاشورا به ساعت ۲۴ تغییر کرد. به گزارش تسنیم، جهان‌شاه بهرام‌آبادی افزود: با توجه به حضور عزاداران با لباس مشکی در این مراسم، رانندگان حتماً توجه ویژه‌ای مخصوصاً در مواقع تاریکی هوا و شب‌ها به این شش‌کار کاربران تاریکی داشته باشند تا برخوردی صورت نگیرد.

حضور بی‌ضابطه افغان‌ها در ایران، صدها آسیب اجتماعی در پی دارد

«طاهره پژوهش»، فعال حقوق کودک در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:



سعیده علیپور

مدتی پیش بود که ویدئوهای تأییدنشده فراوانی از حضور گسترده مهاجران افغانستانی در ایران در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد. ویدئوهایی که به نظر می‌رسد چند ماه پس از نشر گسترده آن دیگر نیازی به تأیید ندارد؛ چرا که می‌توان به راحتی شاهد حضور محسوس این جمعیت در اقصی نقاط کشور بود. از مترو گرفته تا خیابان‌ها و مغازه‌ها و پارک‌ها و اتوبوس‌ها...

مترضان به حضور این مهمان‌های ناخوانده حتی با استفاده از هشتک‌هایی خواهان اخراج آنها از کشور شده و حتی برخی از کاندیداهای انتخابات اخیر ریاست جمهوری سوار بر موج این مطالبه از کشیدن دیوار بین مرز ایران و افغانستان سخن گفتند. حتی اردیبهشت امسال فراخوانی تحت عنوان «درخواست ساماندهی جدی و خروج اتباع خارجی غیرمجاز» در وبسایت کارزار راهاندازی شد که تاکنون نزدیک به پنج هزار نفر آن را امضا کردند. هر چند شمار اتباع غیرمجاز حاضر در کشور به هیچ‌روی مشخص نیست. اما در روزهای اخیر خبرگزاری ایسنا به نقل از مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد که: «۱۰ درصد دانش‌آموزان کلاس اولی اتباع هستند!» عددی که به اعتقاد منتقدان نشان‌دهنده آمار وحشتناک جمعیت غلیم افغان‌ها در ایران است. اما واقعیت اینجاست که بخشی از جمعیت این مهاجران کودکانی هستند که در شرایطی به مراتب تأسف‌بار در کشور میزبان، یعنی ایران از هر گونه حقی محرومند و جز انجام بدترین اشکال کارچیز دیگری نمی‌شناسند. کودکانی که طبق کنوانسیون حقوق بین‌المللی باید مورد حمایت قرار گیرند. در این باره با طاهره پژوهش، فعال حقوق کودک و عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

همه خدمات و همه حقوقی که طبق پیمان‌نامه به کودکان تعلق می‌گیرد برای رشد همه‌جانبه آنها به کار گیرد. از جمله حق دسترسی به آموزش، بهداشت و خدمات پزشکی و... این در حالی است که این موضوع در ایران برای کودکان پناهنده رعایت نمی‌شود.

اما ایران کشوری است با مشکلات اقتصادی فراوان. آیا می‌شود چنین توقعی از دولت‌ها داشت که علاوه بر فراهم آوردن امکانات برای شهروندان خود، فکری هم به حال مهاجران و مخصوصاً کودکان مهاجر کند؟ واقعیت این است که وضعیت افغانستانی‌ها در ایران، هیچ ضابطه و قانون مشخصی ندارد. آنچه که خیلی ضروری است؛ تدوین قانون مهاجرت در ارتباط با کسانی است که وارد ایران می‌شوند. اینکه چهار یا پنج میلیون نفر بدون هیچ ضابطه‌ای وارد کشور می‌شوند و مدت‌ها در بلا تکلیفی از بسیاری از حقوق شهروندی محروم هستند و از سوی دیگر مشغول فعالیت اقتصادی و... هستند، موضوعی جدی است و باید در خصوص عواقب آن هشدار جدی داد. این موضوع هم برای امنیت ایران ضرر دارد و هم هزاران مشکل گوناگون از جمله آسیب‌های اجتماعی به همراه خواهد داشت.

سیاست ایران در قبال مهاجران افغانستانی چیست؟

سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی روشن و شفاف اعلام نشده است. به طوری که در دهه‌های گذشته هر دولتی که آمده به یک شکل در خصوص این موضوع رفتار کرده است. در حالی که بعضی از کشورها به محض عبور غیرقانونی از مرز به مهاجران شلیک می‌کنند، در مرزهای ایران کمتر شاهد این رفتار هستیم. چهار زمان شاه که کارگر افغانستانی را به خاطر حقوق کمتر پذیرش می‌کردند و ساماندهی درستی هم حاکم نبود، چه بعد از انقلاب که گفته شد آنها برادرهای مسلمان ما هستند.

کودک افغانستانی قبل از وارد شدن به ایران محل کارش مشخص شده و مستقیم سرکار می‌رود. چطور این شرایط برای جوان ایرانی فراهم نیست؟ چون جوان ایرانی باید بیمه شود و با طبق قانون کار رفتار شود. این در حالی است که این موضوع در خصوص این کودکان اجرائی نمی‌شود. این کودکان از حقوق اولیه خود هیچ آگاهی ندارند و با کمترین دستمزدها وارد بازار کار می‌شوند

شما به عنوان موسسه‌ای که فعالیت مستقیمی در خصوص حمایت از این کودکان داشته و دارد، وضعیت موج مهاجرت اتباع غیرقانونی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما زمانی گمان می‌کردیم باید همه تلاشمان را بکنیم که بچه‌ها از آسیب‌های خیابان‌دوران باشند. اما بعد دیدیم در حالی که ما به آموزش ۲۰۰ تا ۵۰۰ یاهزار بچه مشغولیم، هزاران بچه وارد کشور می‌شود و عملاً کار ما را اثر می‌کند و تأثیر در بهبود وضعیت کودکان ندارد. همین‌جاست که لزوم تأثیر کلان سیاست‌گذاری در این حوزه مشخص می‌شود و باید حتماً در این باره کاری درست‌ساز می‌شود. این در حالی است که یک سیاست‌گذاری غلط زمینه‌های آسیب‌برای هزاران نفر فراهم می‌کند.

چندی پیش اعلام کردند که اگر مهاجران دو هزار دلار بیاورند ما به آنها شهروندی و شناسنامه می‌دهیم و همزمان شاهد دمرز گسترده مهاجران از کشور هستیم... از سوی دیگر شاهدیم کسانی که دمرز می‌شوند دوباره به کشور برمی‌گردند و این میل به حضور افغانستانی‌ها در ایران هم از کارگران ارزان و بدون بیمه‌نشانی می‌گیرد

یعنی درخواست شما هم به عنوان یک موج موعه حامی کودکان این است که باید جلو ورود بی‌رویه مهاجران به کشور گرفته شود؟

کشور باید سیاست مهاجرتی و قانون داشته باشد و طبق قانون افراد باید دارای حق باشند. این افراد در بعضی موارد از هیچ حقوق انسانی بهره‌مند نیستند. فقط چون کارشان ارزان است در بدترین اشکال کار از آنها استفاده می‌شود. ما باید یک سیاست مهاجرتی روشن و قانون داشته باشیم و طبق قانون هر کس که وارد کشور می‌شود از حقوق انسانی بهره‌مند شود. ولی چون در حال حاضر این کودکان طبق پیمان‌نامه حقوق کودک از حق آموزش محروم هستند، سازمان‌های غیردولتی از جمله انجمن حمایت از حقوق کودکان این مهم را بر عهده گرفته‌اند.

وضعیت کودکان در این بین چطور است؟ در خصوص کودکان کار وضعیت این طور است که کودکان افغانستانی قبل از وارد شدن به ایران محل کارش مشخص شده و مستقیم سرکار می‌رود. چطور این شرایط برای جوان ایرانی فراهم نیست؟ چون جوان ایرانی باید بیمه شود و با طبق قانون کار رفتار شود. این در حالی است که این موضوع در خصوص این کودکان اجرائی نمی‌شود. این کودکان از حقوق اولیه خود هیچ آگاهی ندارند و با کمترین دستمزدها وارد بازار کار می‌شوند.

اخراج‌های اخیر هم به نظر خیلی جدی نیست و قاچاقچی‌هایی که این بچه‌ها را می‌آورند به خوبی می‌دانند که نیروی جدی جلودار آنها نبوده و بچه‌ها با وجود دمرز شدن، معمولاً دوباره برمی‌گردند. اینکه چه سیاستی حاکم است؟ چه کسی از مرزهای کشور مراقبت می‌کند که به همین راحتی دوباره برمی‌گردند جای سوال دارد. اینکه هیچ انگشت‌نگاری وجود ندارد و هیچ مدرک هویت و شناسایی به این افراد داده نمی‌شود جای نگرانی است و امنیت کشور را تهدید می‌کند. از سسوی دیگر این افراد و به ویژه کودکان در این شرایط بی‌هویتی محض در معرض تهدید جدی هستند. آنها با انواع بدرفتاری‌ها، انواع تحقیر و آزار و روبرو هستند و روی شخصیت‌شان تأثیر دارد و چنین رفتارهایی، زمینه‌گسترش آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند.

چند درصد بچه‌ها در خانه‌های کودکان که شما در آن فعالیت دارید، افغانستانی هستند؟

چون کار اصلی ما آموزش کودکان بازمانده از تحصیل و کودکان کار است و عمدتاً بچه‌های افغانستانی هستند که امکان دسترسی به مراکز آموزشی ایران را ندارند، اکثر آنها اتباع افغانستانی هستند. چون حتی اگر امکان ثبت‌نام در مدارس را هم داشته باشند به دلیل اینکه مجبور به کار هستند نمی‌توانند ساعات زیادی در مدرسه باشند. به همین دلیل مادر خانه‌های کودک در ساعات محدودتر به آنها آموزش می‌دهیم.



وضعیت افغانستانی‌ها در ایران، هیچ ضابطه و قانون مشخصی ندارد.

آنچه که خیلی ضروری است؛ تدوین قانون مهاجرت در ارتباط با کسانی است که وارد ایران می‌شوند. اینکه چهار یا پنج میلیون نفر بدون هیچ ضابطه‌ای وارد کشور می‌شوند و مدت‌ها در بلا تکلیفی از بسیاری از حقوق شهروندی محروم و مشغول فعالیت اقتصادی هستند؛ هم برای امنیت ایران ضرر دارد و هم هزاران مشکل گوناگون از جمله آسیب‌های اجتماعی به همراه خواهد داشت.

اتفاق روز

یک جامعه‌شناس:

در مورد اخراج اساتید زن کمتر گفته می‌شود

نسبت به این اعتراضات بی‌تفاوت نماند و با معترضان همدلی و همراهی کرد. دانشگاه‌ها بدون تاسیس وجدان بیدار جامعه‌ماواز مراکز روشنفکری ایران بوده که با تمام کنترلی که بر آن اعمال می‌شود، در بزنگاه‌های تاریخی نشان داده به مسوولیت و تعهد اجتماعی خود واقف است. اما برخی دانشگاه‌ها یک نهاد دلیل‌مطیع در برابر قدرت می‌خواهند که چشم بر تحولات اجتماعی و فجاج پیرامونی ببندد و سکوت کند. انتظار دارند دانشگاه‌ها به اتم‌های مجزایی تبدیل شوند و حداکثر تلاش و نهایت رسالت یک فرد دانشگاهی از دانشجو تا استاد نجات و رهایی فردی باشد و کاری به اجتماع نداشته باشد. بنابراین برای کنترل دانشگاه اکنون پروژه خالص‌سازی رقم خورده است که تصور می‌شود، با این پروژه، هدف مطیع‌سازی دانشگاه محقق می‌شود.

پاکسازی می‌شوند شاید کمتر از مردان باشد اما باید نسبتاً راهم در نظر گرفت. علاوه بر این سختگیری در جذب زنان به عنوان استاد و مدرس به مراتب بیشتر است هم به دلیل جنسیت‌زدگی فرایند استخدام و هم اینکه در مورد زنان همسو بودن یا دست کم خنثی بودن بیشتر از مردان در جذب و به کارگیری اعمال می‌شود. حتی ظاهر زنان و پوشش‌شان در استخدام بیشتر از مردان اهمیت دارد و عدول از استانداردها ممکن است به حذف و اخراج منتهی شود.

موج اخیر پاکسازی‌ها بعد از اعتراضات ۱۴۰۱ راه افتاد این جامعه‌شناس اظهار داشت: موج اخیر پاکسازی‌ها بعد از اعتراضات اجتماعی ۱۴۰۱ راه افتاد. علت هم آن بود که دانشگاه

رسانه‌ای به وضعیت‌شان دارند. آنها مانند مردان به شخصیت‌های کارزماتیک تبدیل نمی‌شوند و رسانه‌ها هم توجه کمتری به استادان زن می‌کنند. بنابراین اخراج‌هایی که صورت گرفته عمدتاً در سکوت بوده است. در مورد تعداد کمتر اساتید زن پاکسازی شده هم باید توجه داشت که اساساً تعداد استادان زن در

در همین باره سیمین کاظمی، پزشک، جامعه‌شناس و عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به خبرنگار آتلین گفت: در مورد اخراج اساتید زن کمتر گفته می‌شود، چون اساتید زن کمتر مجال برای اعتراض و جلب توجه